

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## روابط دختر و پسر

( تقدیم به همه کسانی که میخوان پاک بمونن و پاک زندگی کنن )

نویسنده : جواد علیکرمی

تابستان 1397

## مقدمه

بنام خدا

خدایی که تو همه جا و همه حال هوای بهترین مخلوقش (انسان) رو داره و همیشه پاسدار و نگهبان اونه ،  
خدایی که از روح خودش توی انسان دمید و تموم فرشته هاش رو مجبور کرد که به انسان سجده کنن .  
فرشته هایی که هر کدوم هزار سال خدا رو عبادت کرده بودن باید واسه انسانی که تازه بوجود اومده بود  
سجده می کردن و این سرآغاز داستان انسان بود.  
انسانی که وجود خدا رو در زندگی از یاد برده و هر لحظه به فکر گناه کرده ، مخصوصا از راه شهوتش .

من نمیدونم شما پسری یا دختر

اما اگه میخوای این کتابچه بدردت بخوره دو سه تا کارو حتما باید انجام بدی

اول اینکه باید این کتابچه رو صفحه به صفحه خونند

چون اگه صفحه به صفحه نخونی وقتی یهو بری یه صفحه ای

بعضی کلمه ها واست نامفهومه یعنی نمیتونی بفهمیشون پس حتما صفحه به صفحه بخون

دوم اینکه اگه از این کتابچه خوشت اومد به کسانی که میشناسیشون این کتابچه رو هدیه بده

سوم اینکه حتما به نوشته های این کتابچه عمل کن

چهارم اینکه بحث هدف های روابط جنسی مهم ترین قسمت این کتابچه

حتما اونو بخون

چون هر چی نوشتیم یه طرف

این مطلبیم یه طرف

یه جورایی گل سر سبد این کتابچه منه

پنجم این که متنو سریع و رگباری نخون ، آروم آروم واسه خودت بخون تا مطلبو بگیری

خب اگه موافقی شروع کنیم

البته بزارید قبل از اینکه شروع کنیم  
خودمو خیلی کوتاه واستون معرفی کنم

اسمم جواد علیکرمیه

21 سالمه ، مجردم

تویه خونواده متوسط از لحاظ مذهبی بودن دارم زندگی میکنم  
که بعضی موقعا توی بحثای مذهبی با هم اختلاف نظر داریم

توی یه شهری دارم زندگی میکنم

که مته بیشتر شماها اوضاع حجابش جالب نیست

فعالام شرایط ازدواج ندارم

پس یه جورایی منو شماها مثل همیم

اینا رو گفتم که بهتر همو درک کنیم

حاضری شروع کنیم ؟

پس بریم

## شناخت غریزه شهوت

شهوت چیه ؟

اگه بخوام ساده بگم شهوت چیه ؟

شهوت همون چیزیه که وقتی یه پسر ،

یه دختر خوشگل و البته یکم بد حجاب رو میبینه

با خودش فکر میکنه

ای کاش با اون دختر رابطه داشتم و مال من بود ( البته منظورم فقط واسه رابطه جنسیه )

اون لحظه اون پسر بدنش داغ میشه و همش توی فکر اون دختره

با خودش میگه عجب دختره خوشگلیه

عجب تیکه ایه

عجب چیزیه

و .....

حالا دقیقا همین حرفارو دخترا میزنن و اگه یه پسری رو ببینن که تیشرت پوشیده و یه هیکل درشت داره  
میگن

عجب تیکه ایه

عجب چیزیه

و .....

البته اینم بگم که دخترا بیشتر رو شنیداری حساسن  
یعنی اگه حرف زدنت قشنگ باشه بیشتر جذبیت میشن  
اما پسرا بیشتر رو زیبایی و هیکل دخترا حساسن  
یعنی یه دختر بد حجاب رو میبینن بیشتر تحریک میشن

خب در کل شهوت به همون حسی میگن که یه پسر با نگاه کردن به یه دختر جذبش میشه  
یا یه دختر با نگاه کردن به یه پسر یا شنیدن حرفاش جذب اون میشه

## تخلیه شهوت

بعد از این که اون پسر یا دختر شهوت وجودشو گرفت  
یا بهتر بگم شهوتی شد ،  
چیکار میکنه ؟

خب معلومه دنبال راهی میگرده که خودشو تخلیه کنه  
البته اینم بگم که ممکنه همون لحظه اینکارو نکنه  
اما تا شبش یا فرداش توی بیشتر وقتا خودشو خالی میکنه  
چون اگه پسر باشی مدام تصویر اون دختره توی ذهنته و اگه دختر باشی مدام تصویر اون پسره  
یا حرفاش توی ذهنته

و این افکار و لشون نمیکنه تا خودشون رو تخلیه نکنن

حالا چجوری خودشون رو تخلیه میکنن ؟

خب معلومه

واسه تخلیه شدن دو راه دارن ؟

یکیش خود ارضایی ( جلق زدنه )

و دومیش که موضوع تحقیق منه اینه که بری با یه طرف ، رابطه جنسی برقرار کنی تا خالی بشی

و از زیر فشار شهوت خودتو در بیاری

## تخلیه شهوت از راه خود ارضایی

خب همون جورى که گفتم وقتی شهوت بهت فشار میاره دنبال جایی واسه خالی شدن میگردی

اولین راهی که بیشتر پسرا و دخترا برای خالی شدن پیدا میکنن خودارضایی ( جلق زدنه )

حالا یه سوال

بنظرتون چرا این راه راه اوله ؟

چون به پسرا و دخترای نوجوون و جوون ما یاد ندادن

چجوری با قویترین غریزه خودشون یعنی شهوت کنار بیان و اونو کنترل کنن

چون وقتی یه جوون یا نوجوون میخواد از این چیزا حرف بزنه میگن

عیبه

زشته

این حرفا رو نباید جایی بگی

چون بهشون نگفتن که خودارضایی هزار تا عوارض داره

چون .....

حالا شاید بگی عوارضش چیه ؟

من چند تا شو اینجا برات میگم

ولی امیدوارم رو هر کدوم از عوارضش یکم فکر کنی

ضعف اعصاب

ضعف جسمانی

از بین رفتن تمرکز

بی اشتهایی

ناراحتی های مفصلی

دیر ازدواج کردن

ضعف بینایی

ضعف شنوایی

ضعف حافظه

جوش زدن صورت

گودی کمر و کمردرد

ضعف قوای جنسی

سرطان پروستات ( در پسر )

سرطان پستان ( در دختر )

ریزش مو

تنفر از خود

لاغری

و مهم ترین موردش روانی شدن

و ...

یه چیز بگم

اینقدر عوارض خودارضایی زیاده که من اسمشو گذاشتم

خودکشی تدریجی

خودکشی تدریجی

خودکشی تدریجی

سه بار گفتم که تاکید شده باشه برات

خودکشی تدریجی یعنی این که خودتو کم کم از بین ببری و زندگی تو تموم کنی

یا کاری کنی که تا آخر عمرت روی تخت بیمارستان بمونی

من خودم یه جا خوندم که یه پسره اینقد خود ارضایی کرده  
که الان سرطان پروستات داره و باید عمل شه  
یا یه جا دیگه خوندم

یه پسره نوشته بود برای همیشه باید روی تخت بیمارستان بمونم چون از بس خودارضایی کردم  
حالا دقیق نمیدونم که به کجاش آسیب زده بود  
که باید تا آخر عمر توی بیمارستان بستری می بود

اینایی که گفتم فقط بخشی از عوارض خودارضایی بودن  
حالا بماند که چند صد تا مشکل دیگه هم داره  
خب پس این اولین راه تخلیه شهوته  
که یه پسر یا دختر ، برای خالی شدن خودش انتخاب میکنه

اگه واقعا میخوای از دست بیماری خودارضایی راحت بشی  
بهت پیشنهاد میدم حتما کتاب راز کنترل شهوت داداش رضا  
که سه جلده و واقعا فوق العادس رو بخونی

حتما یه سر هم بزن به سایتش  
کافیه فقط تو گوگل بنویسی داداش رضا  
خودش سایتشو بالا میاره

به نظر من این کتاب جادو میکنه

اصلا بخاطر همین کتاب و سایت داداش رضا بود

که من بیشتر بحث خودارضایی رو باز نکردم

وگرنه بحث خودارضایی خودش نزدیک پنج شیش جلد کتاب ازش در میاد

**تخلیه شهوت از راه رابطه جنسی ( بحث اصلی )**

## تصمیم گرفتن واسه داشتن رابطه جنسی

گفتیم که اولین راهی که بیشتر جوونا و نوجوونا واسه خالی کردن شهوتشون انتخاب میکنن خودارضاییه  
خب حالا فرض میکنیم که اون پسر یا دختر  
با خودش میگه

می دونم خودارضایی عوارضش جبران ناپذیره  
و اینم میدونم که بهش میگن خودکشی تدریجی  
من که نمیخوام با دست خودم خودمو بکشم  
پس باید چیکار کنم

من حداقلش دو راه دارم

یا این که شهوتمو کنترل کنم که غیر ممکنه  
( البته این فکر اون طرفه که نمیشه

بلکه به راحتی هم میشه اونو کنترل کرد فقط یکم تلاش میخواد  
راهش رو هم قبلا بهت گفتم

اول کمک از خدای متعال و چهارده معصوم

بعدش خوندن کتاب راز کنترل شهوت داداش رضا)

یا اصلا چرا باید کنترلش کنم باید بزارم آزاد باشه

این حق منه که شهوتمو آزاد بزارم چون خدا اونو بهم داده

پس میام از یه راه دیگه برطرفش میکنم

حالا چجوری اینکارو کنم

من که خودارضایی رو نمیتونم انجام بدم

پس

پس

آهان فهمیدم ، میرم با جنس مخالفم رابطه برقرار میکنم  
این که دیگه عوارض نداره  
و اون پسر یا دختر با این فکر  
وارد رابطه جنسی یا بهتر بگم  
راه دوم خالی شدن شهوت میشه  
یعنی یه پسر یا دختر با خودش میگه که  
چه اشکال داره من با جنس مخالفم رابطه داشته باشم  
و با این حرف شروع به داشتن رابطه با یه دختر یا یه پسر میکنه  
البته اینم بگم که بیشتر پسرا شروع کننده رابطه هستن  
که راهاش هم مختلفه  
ولی تا جایی که من میدونم بیشتر از راه شماره دادن به دخترا این رابطه ها شروع میشه  
مثلا یه پسر داره تو یه خیابون راه میره که یهو چشمش به یه دختر بد حجاب میفته  
منظورم از بد حجاب اینه که  
اون دختره یه آرایش زیبا رو صورتش پیاده کرده  
بعد یه ساپورت تنگ هم پوشیده  
و .....  
خب هر پسری هم باشه جذب اون دختر میشه  
البته نه تنها پسرا  
بلکه مردای متاهل هم جذب اون دختر میشن  
بابا طاهر یه شعر جالب داره میگه  
**ز دست دیده و دل هر دو فریاد**  
**که هر چه دیده بیند دل کند یاد**  
این بد حجابیا نه تنها توی دخترا بلکه توی خانمای متاهل هم وجود داره  
یعنی مجرد و متاهل و پیر و جوان و نوجوون و ...  
نداره  
همه درگیرشن

البته جدیداً داره به پسر هم سرایت میکنه

مثلاً پسرای امروزی

ابرو ورمیردارن

یا شلوار تنگ میپوشن

یا ....

خوشبختانه این یه مورد هنوز تو مردای متاهل ورود نکرده

یا شایدم من هنوز ندیدم

## هدف های ورود به رابطه جنسی

( توی این قسمت منظورم از ارتباط فقط آشنا شدن دختر و پسر یا حرف زدن اونا با همه

و منظورم از رابطه ، رابطه جنسیه )

بعد از اینکه یه پسر تصمیم میگیره با یه دختر رابطه داشته باشه

یا یه دختر با یه پسر

عملاً خودشونو آماده میکنن که وارد این رابطه ها بشن

یعنی تصمیم خودشونو به نحوی عملی میکنن

و میخوان با طرفشون رابطه داشته باشن

همون جوری که گفتم بیشتر پسر یا دخترا اینکارو برای خالی شدن شهوتشون میکنن

اما براش دلیل میارن

و یه هدفی رو در نظر میگیرن

و میگن میخوایم به این دلیل با جنس مخالفمون ارتباط و رابطه داشته باشیم

دلیل های متفاوتی وجود داره که دخترا و پسر اینکارو میکنن

که من چند موردش رو میگم

مثلاً یه پسر واسه خودش میگه

من میخوام با یه دختر ارتباط داشته باشم

و اونو فقط واسه ازدواج میخوام

یا یکی میگه من میخوام با دخترا ارتباط داشته باشم  
چون میخوام اونارو بهتر بشناسم  
یا یه دختری میگه من میخوام با یه پسر ارتباط داشته باشم  
چون میخوام روی دوستانمو کم کنم  
یا یه پسری میگه من واسه کمک کردن به دخترا توی دانشگاه  
مجبورم با اونارتباط داشته باشم  
یا یکی میگه من میخوام با یه دختر یا پسر رابطه داشته باشم  
چون فقط میخوام باهاش رابطه جنسی داشته باشم  
یا هر چیزی  
ممکنه اون دختر یا پسر هر دلیلی برای اینکار داشته باشن  
به هر حال عقیده ها متفاوته و نمیتونیم بدونیم که پسرا یا دخترا با چه هدفی اینکارو میکنن  
این جمله رو بازم میگم **بیشتر این هدفا** برمیدارن به شهوت آدم  
یعنی **بیشتر پسرا و دخترا** واسه اینی که شهوت خودشون رو خالی کنن  
اینکارو میکنن  
و واسه اینم یه هدفی رو در نظر میگیرن که  
یه جوروی خودشون رو گول بزنن که واسه شهوت اینکارو نمیکنن

خب توی مطلب بعدی  
میخواهیم بریم سر اصل مطلب  
یعنی چی؟  
یعنی یه چند از هدفا رو بررسی کنیم  
و ببینیم این هدفایی که گفتیم  
اصلا خوبن، بدن، مشکلی دارن، مشکلی ندارن و ...  
البته قبلش میخوایم ببینیم **نظر اسلام در این مورد چیه؟**  
مطمئنم میدونید نظرش چیه  
اما خب، من با دلیل نظر اسلام رو میگم

## داشتن روابط جنسی دختر و پسر از نظر اسلام

( قبلا بهتون گفتم منظورم از ارتباط و رابطه چیه !!! )

تو این قسمت میخوایم ببینم

نظر اسلام ( قرآن ) درباره **ارتباط و رابطه** دختر و پسر چیه ؟

اسلام توی کتاب خودش ( قرآن ) درباره **ارتباط** دختر و پسر میگه :

### با ناز و عشوه حرف نزنید!

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (احزاب)

هنگام سخن گفتن صدای خود را نازک نکنید که بیمار دلان در شما طمع خواهند کرد؛

بنابراین درست سخن بگویید.

بزارید یه چیز مهم بگم

اینو بدونید که اسلام مارو از خودمون بهتر میشناسه

و میدونه با کوچیک ترین ناز و ادا توی بد شرایطی میفتیم

میدونه اگه دختر واسه پسر با ناز و ادا حرف بزنه

پسر سریع عکس العمل نشون میده

و شروع میکنه که اونم بیشتر بره سمت دختره

یه مثال ساده بگم

فرض کن داری توی جاده با ماشین میری

یهو یه ماشین از جلو میاد و بهت چراغ میده

که افسر پلیس جلوتر وایساده

خب تو هم سریع خودتو جم و جور میکنی

و قوانینو رعایت میکنی که پلیس جریمت نکنه

ارتباط داشتن دختر و پسر هم همین جوره

فقط کافیه یکیشون چراغو روشن کنه

دیگه اون یکی تا آخرشو میخونه

خب حالا بزارید یه مثال بهتر بزنیم  
تا کامل قضیه رو بگیرید  
مثلا واسه حرف زدن  
طرف میخواد با جنس مخالفش حرف بزنه  
نباید واسش ناز و ادا بیاد  
فرض کن یه پسری داره تو خیابون راه میره  
توی اون خیابون هم دارن چیزای ارزون میفروشن  
اون پسر هم میره جلو ببینه چه خبره  
یه دختری رو میبینه  
میخواد ازش بپرسه چه خبره اینجا  
حالا اینجا نظر اسلام میاد وسط  
یعنی اون پسر و دختر باید جوری با هم حرف بزنن  
که ناز و ادا توش نباشه  
مثلا پسر بگه  
آهای خانم خوشگله اینجا چه خبره  
بعد دختره هم بگه  
عه وا مگه نمیدونی  
اینجا ارزونیه  
این طرز حرف زدن از نظر اسلام مشکل داره  
چرا  
چون دل هر دو طرفو قلقلک میده  
و باعث میشه اون دختر و پسر بیشتر بهم جذب بشن  
و با هم ارتباط داشته باشن  
و .... دیگه خودت تا آخرشو بخون  
حالا اگه اینجوری با هم حرف بزنن  
بیخشید خانم اینجا چه خبره

بعد دختره هم بگه

اینجا چیزای ارزونی میفروشه

اینجوری حرف زدن از نظر اسلام اصلا مشکلی نداره

البته توی محیط کار ، دانشگاه ، شرایط خاص

یا .... اشکال نداره اما بشرطی که توی گناه نیفته ( با قصد لذت نباشه )

حالا میخوایم ببینیم نظر اسلام ( قرآن ) درباره **رابطه** دختر و پسر چیه ؟

"وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجِيَّ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا." ، اسراء، 32

نزدیک زنا نشوید چرا که عمل بسیار زشتی است و راه و روش بدی است

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ  
غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ ، بخشی از آیه 5 مائده

و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب  
[آسمانی] به آنان داده شده به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید در حالی که خود پاکدامن باشید نه  
زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید.

آیه 25 سوره نساء به مردان می گوید با دخترانی که روابط دوستی مخفیانه ای با دیگران داشته اند ازدواج

**نکنید ...** [فانکحوهن باذن اهلهن و اتوهن اجورهن بالمعروف محصنات غیر مسافحات و لا متخذات

اخذان] یعنی آنان را با اجازه خانواده هایشان به همسری خود در آورید و مهرشان را به طور پسندیده به

آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند و **زناکار و دوست گیران پنهانی نباشند.**

بنظرتون دلیل اسلام واسه اینکارا چیه ؟

چرا اسلام میگه نباید دخترا و پسرا **نامحرم** با هم رابطه داشته باشن ؟

دلیلش واضحه ، الان برات میگم

فرض کن یه پسر یا دختر واسه اولین بار اینکارو انجام میده

مطمئن باش ، مزه این رابطه میره زیر دندونش

یعنی چی ؟

یعنی اینکه اون پسر یا دختر چون این رابطه رو حس کرده و لذتجو برده ،

پس لذت این رابطه تو ذهنشو دلش میمونه

حالا بعد از اینکه چن روز از این رابطه گذشت

حس شهوت وجود هردوتا رو میگیره

و همش با خودشون لذت اون رابطه رو مرور میکنن

میگن ، عجب لذتی داشت وقتی باهاش بودم

و با این فکر اون دختر و پسر دوباره با هم رابطه برقرار میکنن

اما نسبت به دفعه اول کمتر لذت میبرن

بازم دوباره وقتی چن روز گذشت

دوباره میرن سراغ هم

و این کارشون مته یه چرخه تکرار میشه

بعد از چن وقت که گذشت

معمولا اون پسر از رابطش با اون دختره خسته میشه

و میره سراغ یکی دیگه

چرا؟

چون اون دختره براش تکراری شده

پس میره یکی دیگه رو پیدا میکنه

دوباره از اون دختره خسته میشه

و میره سراغ یکی دیگه

و بازم این چرخه تکرار میشه

اینم بگم که تو این رابطها بیشتر دخترا ضرر میکنن

دلیلشم کاملاً مشخصه

خب وقتی اون پسر میره زن میگیره

چون اون پسر این رابطها رو مزه کرده

یا بهتر بگم مزش رفته زیر دندونش

دیگه ازدواج براش معنایی نداره

و مته این میمونه که انداختیش وسط آتیش  
البته بعد از چن وقت اون پسره طلاق میگیره  
تا بتونه آزاد باشه و هر کاری دوس داره انجام بده  
چون ازدواج واسش مته یه زندون میمونه

اگه حالا نظر اسلامو در نظر بگیریم  
میفهمیم که اسلام کاملاً منطقیو درست میگه  
یه مثال میزنم که یه نکته خیلی مهم داخلشه  
نگران نباشید آخر سر میگم نکتش چیه !!!  
تو زمونای قدیم یه پادشاهی بوده که یه زنی داشته  
این زن پادشاه یه روز میره بازار بدون اینکه خدمتکاری باهاش باشه  
میخواسته ببینه مردم راجبش چی میگن  
زن پادشاه میرسه به یه کوچه  
میخواد از اون کوچه رد بشه که یهو یه مردی از جلوش میاد  
وقتی اون مرده از کنار زن پادشاه رد میشه  
یه چیزی با خودش میگه  
که زن پادشاه متوجه حرفش میشه  
اون مرده میگه  
خوشبحال کسیکه با این زنه رابطه داشته باشه  
زن پادشاه از حرف اون مرده ناراحت میشه  
وقتی برمیگرده به قصر  
میز ناهار آمادس  
پس میره که ناهار بخوره  
سر میز غذا پادشاه میبینه زنش ناراحته  
ازش میپرسه مته اینکه ناراحتی  
زنش میگه اره ناراحتم

یعنی به حرفی شنیدم که ناراحتم کرده  
پادشاه بهش میگه چه حرفی  
زنش میگه قول میدی که ناراحت نشی  
میگه آره  
زنه هم میاد همه چیو تعریف میکنه  
یعنی ماجرای مردو واسه پادشاه تعریف میکنه  
پادشاه یکمی فکر میکنه  
بعد دستور میده اون مردو دستگیر کنن و بیارن پیشش  
مرد بیچاره که از هیچی خبر نداره  
دستبند بدست وارد قصر پادشاه میشه  
وقتی پادشاه رو میبینه میفته به التماس کردن که غلط کردم  
من هیچ کاری نکردم  
پادشاه بهش میگه یه سوال ازت دارم اگه راستشو بگی کارت ندارم  
مرد میگه باشه  
پادشاه میگه امروز یه زنی رو دیدی و بهش گفتی که  
خوشبحال کسی که باهات رابطه داشته باشه  
مرد بدجور میترسه  
پادشاه دوباره سوالشو میپرسه  
مرد بیچاره مته بید میلرزه ولی ناچارا میگه آره  
پادشاه به یکی از زیر دستاش میگه برو اون چیزو که گفتم آماده کن بیار  
زیر دست پادشاه اطاعت میکنه  
و میره با یه سبد پر از تخم مرغای رنگی برمیگرده  
پادشاه دستور میده  
همه برن بیرون و فقط همون مرده بمونه  
همه میرن بیرون  
پادشاه به مرده میگه بیا جلو

مرده هم میره جلو  
پادشاه بهش میگه یکی از تخم مرغارو ور دار  
مرده یه تخم مرغ نارنجی ور میداره  
بهبش میگه بشکنش  
مرده هم تخم مرغو میشکنه  
پادشاه میگه چه داخلشه  
مرده میگه زرده و سفیده  
پادشاه میگه یکی دیگه ور دار  
اینبار یه تخم مرغ آبی ور میداره  
پادشاه میگه بشکنش  
مرده میشکندش  
پادشاه میگه چی داخلشه  
مرده میگه زرده و سفیده  
میگه یکی دیگه ور دار  
اینبار مرده یه قرمزو ور میداره  
میشکندش  
پادشاه میگه چی داخل اینه  
میگه زرده و سفیده  
پادشاه میگه یکی دیگه ور دار  
مرده که به اشتباه خودش پی میبره  
از پادشاه عذر خواهی میکنه  
پادشاه میگه حالا فهمیدی که اشتباه کردی  
منظور پادشاه از این کار این بود  
درسته تخم مرغای داخل سبد از نظر ظاهر با هم فرق دارن  
و بعضیاشون خوشگلن و بعضیاشونم خوشگل تر  
و تو دوس داری خوشگلتر رو ور داری

اما داخلشون با هم فرقی نداره و همه زرده و سفیده دارن  
دخترام با هم فرق ندارن

درسته ممکنه وقتی تو خیابون داری راه میری  
هر لحظه چشمت به دخترای خوشگل تری بیفته  
اما اینو بدون که همشون یه چیز دارن  
همشون یکین

پس با هم فرقی ندارن  
اگه دقت کنین اسلامم داره همینو میگه  
میگه چون من میدونم بندم موجودی تنوع طلبه  
و هر چیزی که بهش بدی بازم بیشترشو میخواد  
در صورتی که همه دخترا و همه پسرا یه جورن  
یه چیز دارن فقط شاید ظاهرشون شبیه هم نباشه  
خب مطمئنن ظاهر انسان امری نسبیه  
که یکی ظاهرش خوشگله  
یکیم ظاهرش خوشگلتر

پس بخاطر همین **ازدواج دائم** رو واسه ما انتخاب کرده  
**تا از این تنوع طلبی جلوگیری بشه**

تا از آسیباش درامون باشیم  
تا زندگیمون مته اون پسره به کاممون تلخ نشه  
و یه زندگی رویاییو با همسر آیندمون بسازیم

## **بررسی هدف های روابط جنسی**

خب میرسیم به یکی از جذاب ترین قسمتتا  
یعنی هدفایی که سرپوش روابط جنسین  
توی این قسمت

من میخوام به شماها ثابت کنم اون چه که بعضیاتون واسه خودش هدف قرار داده

که باهاش ارتباط و رابطشو با یه دختر یا پسر شروع کنه همش پوچه  
و این فقط یه سری نظرای اشتباهیه که شمارو گمراه میکنه  
البته اینم بگم که آخرش هم میفهمیم که حق با اسلامه و واقعا اسلام منطقی میگه  
که نباید درگیر این روابط شد  
پس

ادامه بحثو از دست نده  
میخواییم یه چند تا از هدفایی که باهاش روابط جنسی برقرار میشه  
و حقیقتا این هدف فقط یه سرپوش واسه این روابطه  
رو بررسی کنیم.

## 1 - هدفم فقط ازدواجه

قبل اینکه بریم سراغ این هدف  
من نظر یکی دوتا از دوستانمو در مورد این هدف میگم  
نظر اول :  
اگه دختر و پسر با هدف ازدواج با هم آشنا بشن و حتی با هم رابطه داشته باشن  
هیچ مشکلی نداره  
بررسی نظر اول :  
توی این نظر همون جور که گفتم  
دوستم داره یه سرپوش واسه خودش قرار میده  
یعنی فقط واسه رابطه جنسیش داره از سرپوش ازدواج استفاده میکنه  
مگه میشه یکی هدفش واقعا ازدواج باشه بعد دنبال اینکارا باشه  
شماها باید بدونید که  
کسیکه واقعا هدفش ازدواج باشه  
میدونه بعد از ازدواج با همسرش رابطه برقرار میکنه

پس قبل از ازدواج فقط از کنار همسر آیندش لذت میبره  
بنظرم این حرف دوستم اصلا منطقی نیست  
نظر دوم :

رابطه دختر و پسر با هدف ازدواج هیچ مشکلی نداره  
اما اگه میخوای ازدواج کنی سریع برو خواستگاری  
بررسی نظر دوم:

این نظر دوستم تا حدی میتونه درست باشه  
چطور ؟

اگه کسی واقعا هدفش ازدواجه  
نباید بدون شناخت قبلی سریع اینکارو انجام بده  
باید در مورد همسر آیندش تحقیق کنه  
ساده بگم ، باید یه شناخت نسبی از طرفش پیدا کنه  
بعد بره خواستگاری

نه اینکه بدون هیچ شناختی سریع بره خواستگاری  
که بعدا پشیمون بشه ، که چرا عجله کرده  
یه سخن از حضرت علی ( ع ) بگم  
سخت ترین پیشمانی و بیشترین سرزنش ،  
دامن گیر کسی میشود که **شتاب کار و بی فکر** است  
و وقتی کار از کار گذشت تازه به سر عقل می آید !  
پس هیچ وقت نباید تو ازدواج عجله کنیم

یه شناخت نسبی پیدا کنیم  
بعد بریم جلو واسه خواستگاری  
نظر سوم :

اگه دختر و پسر هدفشون ازدواج باشه مشکلی نداره  
البته اگه سر هم کلاه نذارن و آخرش نزنن زیر همه چی

بررسی نظر سوم :

اگه دقت کنین

اینم شبیه نظر اوله

چون دو طرف میان به اسم ازدواج از همدیگه استفاده میکنن

و کارشونو پیش میبرن

یعنی ازدواج میشه یه سرپوش

مثلا تو دانشگاه یه دختر زرننگ وجود داره

بعد یه پسر تنبل واسه اینکه اون دختره تموم کارای دانشگاهشو انجام بده

میاد به اسم ازدواج با دختره جور میشه

بعد وقتی دانشگاه تموم شد

با تموم پررویی که به خرج میده

اونو ول میکنه و بهش میگه کارم باهات تموم شد

و براحتی دختره رو ول میکنه

پس این پسر از سرپوش ازدواج استفاده کرده

خب بریم سراغ هدفمون

یکی از هدفایی که دخترا و پسرا برا خودشون در نظر میگیرن

هدف ازدواجه

توی این هدف

که دختر یا پسر برا خودش در نظر گرفته

هر دو تا میگن

من طرفمو دوست دارم و عاشقشم و اونم نسبت به من همین طوره

پس میخواییم با هم ازدواج کنیم

چون همو دوست داریم و عاشق همیم

ولی دیگه از ضررش خبر نداره

حالا بزارید یه مثال بزنینم تا قشنگ موضوعش براتون جا بیفته

فرض کنید یه پسری داره توی دانشگاه درس میخونه  
که اون دانشگاه مختلطه  
یعنی چی  
یعنی دختر و پسر توی یه کلاس و با هم دارن درس میخون  
حالا این مدتی که اون پسر توی دانشگاه  
به یه دختری علاقمند میشه  
ساده بگم عاشق اون دختره میشه  
بعدش یا مستقیم یا غیر مستقیم به اون دختره میفهمونه که عاشقشه  
حالا این مستقیم و غیر مستقیم چیه  
منظورم از مستقیم اینه که  
اون پسر خودش با جرئت میره و به دختره میگه که من عاشقتم  
که بیشتر پسرا توی این زمونه این روشو انتخاب میکنن  
البته وقتی تنها بود بهش میگه عاشقشه  
حالا غیر مستقیم چیه  
غیر مستقیم اینه که اون پسر یه نامه به دختره میده و میگه  
جوابشو بعدا بهم بده  
یا ممکنه روشای دیگه بکار بیره  
خب  
حالا نوبت دخترس  
اگه دختره جواب رد داد که هیچی  
اما اگه جواب مثبت داد تازه میرسیم به بحث خودمون  
یعنی هدف اون پسر و دختر همیشه ازدواج  
حالا اگه یه دختری عاشق یه پسری بشه چطور باید بهش بگه  
بازم با دو روش مستقیم یا غیر مستقیم میتونه بهش بگه  
که بیشتر دخترا معمولا روش دوم رو انتخاب میکنن  
اما نه اینکه نامه به اون پسر بده

دختر معمولاً میان به یه شخصی میگن که به اون پسر بگه فلان دختر عاشقته

که این روش توی پسر هم هست اما خیلی کم

**البته اینم بگم که**

**همه پسر و دخترای دانشگاهی با هدف ازدواج با هم رابطه ندارن**

**ممکنه با هر هدفی باشه**

که بعضی هدفها رو جلوتر میگیریم

پس توی این مثال فعلاً دختر و پسر با هم آشنا شدن و تصمیمشون ازدواجه

بنظرتون ضررای این مثالی که زدیم چی میتونه باشه؟

اصلاً بنظرتون ضرر داره؟

من بهتون میگم این مثالی که زدیم ضرر داره

و حتی بعضی موقعا ضررش جبران ناپذیره

حالا بریم سراغ ضررش

اولین ضررش اینه که دو طرف منطقی تصمیم نمیگیرن

یعنی چی؟

یعنی اینکه اون دختر و پسر وقتی عاشق هم شدن

تو بیشتر موقعا از رو احساسات تصمیم میگیرن

و دیگه از رو عقل و منطق تصمیم نمیگیرن

مثلاً اون پسر فقط ظاهر اون دختر و میبینه

و دیگه با خودش نمیگه که این دختره

اصلاً خونه داری بلده

اخلاقش تو موقعیتای مختلف چجوره

اگه بعضی وقتا پول نداشتم چی؟

با نداریم میسازه یا نه؟

اصلاً زن زندگی هست یا نه؟

بدون اینکه به اینا فک کنه

فقط از رو احساساتش میگه

این همون دختریه که من میخوام  
گاهی وقتا پیش میاد که دو طرف یه چیزایی از هم مخفی میکنن  
مثلا یه بیماری خاص دارن ولی چون میدونن طرفشون از رو احساسات  
به اونا وابسته شده پس اون مریضی رو مخفی میکنن  
تا نذارن طرف بره و ولشون کنه  
یا مثلا پسره بدون این که نگا کنه اصلا وضع اقتصادیش خوبه یا نه  
میاد از رو احساسات میگه من عاشق فلان دختر شدم و اونو میخوام  
بابا تو اصلا بیا نگا کن بین شرایطشو داری یا نه  
بعد همچین تصمیمیو بگیر  
دومین ضررش اینه که همیشه احساس تنهایی میکنن  
یعنی اون دختر و پسر همیشه احساس میکنن  
یه روزی طرفشون میزازه میره و اونا تنها میمونن و دیگه با هم ازدواج نمیکنن  
البته این حس بیشتر توی دخترا وجود داره  
سومین ضررش اینه که دو طرف کار خودشون رو میکنن  
یعنی اینکه دختر و پسر اینقد وابسته هم میشن و همدیگه رو میبینن  
که تا جایی پیش میرن که حتی رابطه جنسیشون رو هم برقرار میکنن  
و دیگه چیزی نمیمنه که اون دختر یا پسر برایش جذابیت داشته باشه  
و طرف مقابلشو واسه اون دوس داشته باشه  
**بنظر من مهمترین ضررش همین میتونه باشه**  
البته همه کسایی که توی دانشگاه هدفشون میشه ازدواج  
اینجور نیست که اونا هم همه ضررا رو ببینن  
ممکنه بعضیا رو نداشته باشن  
یا ممکنه اصلا ضرری نبینن که خیلی خیلی کم پیش میاد  
این یه بخش کوچیک از ضررای بود که این هدف داشت  
ضررای دیگیم داره اما این ضررا واسه هر کسی متفاوته  
چون عقاید هرکسی با کس دیگه ای متفاوته

ممکنه خدایی نکرده ضررایی رو براتون داشته باشه

که جبران ناپذیر باشه

خب بزارید یه مثال جالب بزنم

اما امیدوارم برداشت بد نکنی ازش

فقط میخوام بدونی بعضی وقتا چقد این هدف میتونه خطرناک باشه

یه پسری بود که توی دانشگاه درس میخوند

مثل بقیه دانشجوا

بعد از یه مدت که توی دانشگاه مشغول درس خوندن بود

ناخواستته عاشق یه دختری میشه

پسره بعد از این که عاشق اون دختره میشه

دنبال یه فرصت میگردد که به دختره بگه من عاشقتم

بالاخره فرصتشو بدست میاره و به دختره میگه

دختره اولش قبول نمیکنه

اما بعد از چند دفعه دیگه که پسره بهش میگه من عاشقتم

بالاخره قبول میکنه

بعد از اینکه یه چند وقت که با هم بودن

کم کم با هم رابطه برقرار میکنن

اما بعد از این کار خانواده دختره میفهمن

و میرن خونه پسره رو پیدا میکنن

و تهدیدش میکنن اگه خواهرشون رو نگیره

یا شکایتش میکنن یا میکشنش

پسره هم که میفهمه توی بد شرایطی گیر افتاده

و پای آبروش در خطر مجبور میشه

با دختره ازدواج کنه

و واسه همیشه زندگی به کامش تلخ میشه

هر چند بعد یه ماه از دختره جدا شد

اما این خاطره تلخ واسه همیشه تو یادش موند

این داستان رو گفتم که خطر این هدفو بیشتر احساس کنی

یه چیز مهم بگم

بیشتر کسایی که هدفشون ازدواجه

توی دانشگاه درس میخونن

چرا اینو میگم

چون کسی که توی دانشگاه درس میخونه با دخترای زیادی سر و کار داره

و دخترای زیادی رو میبینه

و چون وقت زیادی رو تو دانشگاه میگذرونه

پس احتمال عاشق شدنش زیاده

پس به خاطر همین میگم اکثرا توی دانشگاه عاشق میشن

و میخوان ازدواج کنن

بدون این که ضرراشو در نظر بگیرن

بدون این که منطقی فکر کنن

بدون این که ...

پس دوستان اسلام ضد ما حرف نمیزنه

ضد ما عمل نمیکنه

ضد کسی که برترین مخلوقشه

یه چیزی رو میدونه که میگه اینکارو نکنین

درسته هدف ما سنت رسول خدا و اهلیتشه

اما اونم راه و روش داره

## 2 - میخوام جنس مخالفمو بهتر بشناسم

بینیم نظرای دوستان واسه این هدف چیه ؟

نظر اول :

بهترین نوع رابطه اونیه که

دختر و پسر از لحاظ فکری مغزشون پر باشه

و با هم حرف بزنین از طریق چت یا زنگ زدن

این نوع وابستگی از همه چیز بهتره

بررسی نظر اول :

این نظر ، مته نظرای قبلم ، یه سری ایراد داره

معمولا وقتی یه دختر و پسر با هم حرف میزنن

ناخودآگاه نسبت بهم کشش پیدا میکنن

ولی اگه فرض کنیم واقعا دو طرف مغزشون پر باشه

بازم ایراد داره

من یه چیز میگم هیچ وقت نمیشه

یه دختر بگه چون با دو سه تا پسر ارتباط داشتم

پس کامل جنس پسرا رو میشناسم

و هیچ وقت یه پسر نمیتونه یه همچین ادعایی داشته باشه

بگه من همه دخترارو میشناسم

اگه میخوای دلیل این حرفمو بفهمی باید بری ادامه مطلب

نظر دوم :

اگه این روابط واسه آشنا شدن باشه

و باعث بشه دو طرف همدیگه رو بهتر بشناسن خوبه

بررسی نظر دوم :

این نظرم شبیه نظر اوله

پس واسه این که دلیلشو بفهمی برو ادامه مطلب

یکی دیگه از هدفایی که دخترا و پسرا واسه خودشون در نظر میگیرن

این هدفه

یعنی می‌گن ما می‌خواهیم جنس مخالفمون رو بهتر بشناسیم  
می‌خواهیم ببینیم چه اخلاقی داره چه رفتاری داره  
چجوری باهاش برخورد کنیم  
روحیاتشو بشناسیم  
در کل ببینیم چجوری‌اس  
خب برای اینکار دو طرف باید باهم آشنا بشن  
که اینکار روشای مختلفی داره  
و هر کسی هم از یه روشی استفاده میکنه  
مثلا یکی از روشایی که پسر ازش استفاده میکنن  
اینه که میرن تو خیابون  
یه دختری رو پیدا میکنن  
و بهش شماره میدن  
وقتی دختره شماره رو گرفت  
پسره بهش میگه می‌خوام بیشتر با هم آشنا بشیم و هدفم فقط آشنا شدن  
پس با این روش فعلا با هم آشنا شدن  
این یکی از روشای بود که دختر و پسر میتونستن با هم آشنا بشن  
روشای زیادی وجود داره  
اما بستگی به خود اون پسر یا دختر داره که از چه روشی استفاده کنن  
البته اینم بگم که همین روشه میتونه توی دانشگاه ، خیابون  
خونه دوستان و ... هم استفاده بشه  
خب بعد از این که اون دختر و پسر با هم آشنا شدن  
حتما ارتباطشونم بیشتر میشه  
و ...  
خب  
ما کار با ادامه ارتباطشون نداریم  
چون توی این موارد **بیشتر دخترا و پسر** کارو تا جاهای باریک می‌رسونن

و حتی با هم رابطه جنسیم برقرار میکنند  
بدون اینکه ضررای اینکارو در نظر بگیرن  
چون ضررای این هدف از هدف قبلیم خیلی بیشتره  
خب بریم سراغ ضررای این هدف  
اینو بدونید که این هدف بعضی از ضررای هدف قبلو داره  
اما یه ضرر اصلی داره که فقط به اون اشاره میکنیم  
مثلا یکی از ضررا این هدف اینه که اون پسر یا دختر خیال میکنه میتونه همه رو با یکی بشناسه  
منظورم اینه که بیشتر جوونا خیال میکنند اگه با یکی دوتا دختر یا پسر آشنا بشن  
دیگه همه دخترا یا پسرا رو میشناسن  
در صورتی که این عقیده کاملا اشتباهه  
چجوری میشه آدمایی که با عقیده هایی متفاوت کنار هم زندگی میکنند  
با ارتباط داشتن با یکی دوتا از اونا شناخت  
حتی داداش با داداش  
یا داداش با خواهر  
یا پدر و مادر  
یا پدر و پسر که پیش هم زندگی میکنند عقیده های متفاوتی دارن  
توی این زمونه که کم کمش یه پسر تا 24 سالگی پیش خونواده  
هم توی بعضی از چیزا با هم مخالفن و نظرشون با هم فرق داره  
پس چجوری اون دختر و پسر فکر میکنند میتونن با یکی دو ماه با هم بودن همدیگه رو بشناسن  
چه برسه به اینکه بخوان بقیه دخترا و پسرا رو با رابطه داشتن با یکی دونفر بشناسن  
اصلا همچین چیزی دور از عقل و منطقه  
طرف چندین ساله با زنش یا شوهرش داره زندگی میکنه  
بازم نمیتونه اونو بشناسه  
بعد بعضی از دختر پسرا میخوان با یکی دونفر همه رو بشناسن  
آخه کجای عقل و منطق آدم اینو قبول میکنه

یه مثال :

فرض کن دلت هوای تخمه کرده

بعد میری مغازه میخوای تخمه بخری

به مغازه دار میگی این تخمه چجوریه

مغازه دار هم میگه خوبه

پس شما هم به حرف اون مغازه دار اعتماد میکنی

و تخمتو میخوری

و فک میکنی که الان همه این تخمه ای که خریدی عالیه

بعد میری خونه و شروع میکنی به خوردن

اولیو که میخوری میبینی خوبه و مزشم عالیه

دومیو که میخوری میبینی خرابه

سومیو که میخوری میبینی اصلا خالیه

چهارمی میبینی خوبه

پنجمی میبینی شوره

و ....

تو این مثال مغازه دار دقیقا نقش دوست شمارو بازی میکنه

و وقتی ازش میپرسی ارتباط با جنس مخالف چجوریه

میگه عالیه ، اصلا حرف نداره ، خیلی خوبه

در صورتی که اون فقط ارتباط خودشو در نظر میگیره

و هر چی که برا خودش اتفاق افتاده واسه شما تعریف میکنه

پس شما جذب حرفاش میشی و خودتو وارد این کارا میکنی

ولی تخمها چی ؟

اونا چه نقشی دارن ؟

تخمها دقیقا نقش جنس مخالف شمارو دارن

یعنی هر کدومش یه جور رفتار میکنه

و شما نمیتونی همه رو با ارتباط داشتن با چن نفر بشناسی

شما به حرف اون مغازه دار یا همون دوستتون اعتماد کردین  
و گفتین اون راست میگه  
اما وقتی وارد این رابطه شدین دیدین زمین تا آسمون فرق داره  
ولی جالبش اینجا بود که  
رفتارای مختلف یا تخمه های مختلفی رو تجربه کردین  
که هر کدومش یه جور بود  
پس هیچ وقت نمیتونیم بگیم که  
با ارتباط داشتن با چن نفر میتونیم همه رو بشناسیم  
چون عقیده و فکر هر کسی با کس دیگه ای متفاوته

یه نکته مهم :

شاید بگی من تو قسمتی که اومدم نظر اسلامو در نظر گرفتم  
گفتم همه دخترا و پسرا مئه همن  
ولی اینجا گفتم که با هم فرق دارن  
باید بگم که **توی قسمت اسلام منظور من از نظر جنسیتی بود**  
که گفتم **همه پسرا و همه دخترا از نظر جنسیتی یه چیز دارن**  
اما **تو این قسمت منظور من از نظر اخلاقو رفتارو کردارو....**  
و در کل افکار و عقایدشه  
که **اخلاق هر کس با کس دیگه**  
**رفتار هر کس با کس دیگه**  
**کردار هر کس با کس دیگه**  
و **فکر و عقیده هر کس با کس دیگه متفاوته**  
پس **لطفا این دو موردو با هم اشتباه نگیرین**

### 3 - بهم آرامش میده

خب رسیدیم به هدف آخری که من نوشتم  
منظورم آرامش گرفتن پسر و دختر از همه  
بعضیا میگن من وقتی با جنس مخالفم حرف میزنم بهم آرامش میده  
حس میکنم از هر لحظه ای بیشتر آرامش دارم  
حتی بعضیاشون میگن اگه باهاش رابطه داشته باشم بهم آرامش میده  
این هدف واسم جالب بود  
چون نظر یکی از دوستانم بود  
این دوستم میگفت وقتی با یه دختری حرف میزنم  
خیلی بهم آرامش میده  
حتی میگفت اگه رابطه جنسی هم داشته باشی  
خیلی خوبه ، اونم بهت آرامش میده  
خب اینم یه نظری بود واسه خودش  
و دلیل اینکه این هدفو نوشتم نظر همین دوستم بود  
خب نظر شما چیه ؟  
واقعا این رابطه ها بهمون آرامش میده ؟  
من با نظر این دوستم هم موافقم  
هم مخالف  
موافقم چون ،  
رابطه جنسی واقعا به آدم آرامش میده  
من خودم این نظرو دارم که پسر یا دختر نه تنها با رابطه جنسی ،  
بلکه با حرف زدنم با هم آرامش میگیرن  
حتی خود خدا توی قرآنم میگه که :

وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا اِلَيْهَا ، (بخشی از آیه 21 سوره روم)

و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید

پس نظرش از این جهت درسته

و مخالفم چون ،

این هدفم مته هدفای قبلی

یه سری ضررایی داره

که بعضی وقتا میتونه جبران ناپذیر باشه

بزارید دلیل منطقی حرفمو بگم

تا حرفمو بهتر بفهمید و اونو قبول کنید

وقتی یه پسری با یه دختری رابطه برقرار میکنه

مطمئنن این رابطه و ارتباط بهش آرامش میده

تو این که شکی نیست

اما همین آرامش میتونه تبدیل بشه

به بدترین مشکل واسه اون دختر یا پسر

چطور ؟

همین دوست منو در نظر بگیرید

فرض کنید با یه دختری ارتباط برقرار کنه

این ارتباط هم به دوستم و هم به اون دختر آرامش میده

و از اینکه با هم ارتباط دارن لذت میبرن

اما فرض کنید یه روزی

یه مشکلی واسه این دوستم پیش بیاد

که اونو عصبانی کنه

بعد همون روزم اون دختره بهش زنگ بزنه

که با هم حرف بزنن

بنظرتون دوستم چجوری باهاش رفتار میکنه ؟

آیا میتونه رفتار درستی داشته باشه ؟

مطمئنن نه

چون هر کسی که عصبانی میشه  
تو بیشتر وقتا نمیتونه خودشو کنترل کنه  
و بعضی وقتا حرفایی میزنه که نباید بزنه  
حالا فرض کنید خودشم کنترل کرد  
بازم حوصله حرف زدن با اون دختره رو نداره  
چون مدام تو فکر مشکل خودشه  
و این رفتار دوستم باعث میشه اون دختره ازش دلخور بشه  
چون معمولاً دخترا زودرنجن  
و سریع دلخور میشن  
پس با این کار  
آرامش از هر دو تاشون گرفته میشه  
حالا ممکنه بگید بعد از چند روز با هم آشتی میکنن  
و اون آرامششون دوباره برمیگرده  
آره این کاملاً درسته  
اما فرض کنید همین مشکل چندین بار اتفاق بیفته ؟  
اونوقت چی ؟  
بنظرتون دیگه آرامشی میتونه وجود داشته باشه ؟  
دیگه میشه اون پسر و دختر از بودن با هم لذت ببرن و آرامش پیدا کنن ؟  
تو بیشتر وقتا این مشکل  
آرامش خاطر و از هر دو نفر میگیره  
و نه تنها بهشون آرامش نمیده  
بلکه باعث میشه مشکلات روحیشونم بیشتر بشه  
و این مشکلات روحی باعث یه سری مشکلات دیگه بشه  
که بعضیاشونم ممکنه جبران ناپذیر باشن

حالا فرض کنید که هیچ کدوم از دو طرف آرامششون بهم نخوره  
یعنی هیچ وقت این دوستم با اون دختری که باهاش ارتباط داره  
هیچ مشکلی براشون پیش نیاد  
و همیشه از با هم بودن لذت ببرن  
و آرامش داشته باشن  
مطمئن بعد از چند وقت این دوستم با اون دختره  
نسبت بهم وابسته میشن و دیگه جدایی براشون واقعا سخت میشه  
حالا این بین یه سری اتفاقات میفته که مجبور میشن از هم جدا بشن  
مثلا فرض کنید واسه دختره خواستگار بیاد  
یا دوستم خونوادش بمیرن  
و دیگه نتونه با اون دختره ارتباط داشته باشه  
یا هر چیزی  
تو این شرایط چون این دوستم و اون دختره نسبت بهم وابسته شدن  
و الان یهویی از هم جدا میشن  
این یهویی جدا شدن باعث میشه  
نه تنها آرامش بوجود نیاد  
بلکه کلا زندگی یکی از دو طرفو تا حدود زیادی از بین ببره  
و مشکلات بدیو واسه اونا بوجود بیاره  
خصوصا تو زمینه روحی روانی  
اگه بخوام ساده این نکته بالا رو بگم  
میتونیم بگیم تا وقتی که ادم مطمئن نیست  
قراره ادامه زندگیش با اون دختر یا پسر باشه  
پس نباید دل بستش بشه  
چون اتفاقا اگه همچین وصلتی جور نشه  
آخرش آرامش فرد بدتر بهم میریزه  
و ممکنه مشکلات بدیو بوجود بیاره

## حرف آخر

خب این نوشته ما هم بالاخره تموم شد  
امیدوارم تونسته باشم چیزی رو یادت بدم  
ولی یه دو سه تا درخواست ازت دارم  
اول از همه اینکه

اگه از این نوشتن خوشت اومد

یه پنج تا صلوات یا دو رکعت نماز واسه ظهور آقا امام زمان (عج) و مرده هایی که دستشون از این دنیا  
کوتاس بخون

خیلی هم ثواب داره

دوم اینکه نظرت رو راجع به این نوشتن میخوام بدونم

اگه بده بگی چرا بده

اگه خوبه بگی چرا خوبه

راستی نظرتو به این ایمیل بفرست

[javad.alikarami@gmail.com](mailto:javad.alikarami@gmail.com)

سوم اینکه

اگه واقعا الان با دختری یا پسری در ارتباطی و باهاش رابطه داری

به این رابطه فک کنی

نظر اسلام رو راجبش در نظر بگیری و ببینی چه مشکلاتی برات ایجاد شده یا میشه

اگه به این رابطه ادامه بدی چه چیزایی ممکنه اتفاق بیفته

خوب یا بد همو رو در نظر بگیر

آخرین حرفم **سخن یه روانشناسی** بود که بهم گفت

هیچوقت سمت اینکارا نرو، چون پشیمون میشی

به پایان آمد این دفتر

حکایت همچنان باقیست